

بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با میزان و نوع جرم

مورد مطالعه شهر سرپل ذهاب

دکتر علی مرادی^۱

ادیب شریفی^۲

چکیده

گسترش آسیب های اجتماعی و جرایم از جمله مسائل اجتماعی عمده ای است که امروزه گریبانگیر بسیاری از جوامع کنونی خصوصا "جهان سوم که در حال گذر از سنت به مدرنیته هستند می باشد، جرم و انحراف از جمله نتایج آسیب های است که ریشه اجتماعی دارد و فرد مانند سایر رفتارها آن ها را یاد می گیرد. پژوهش حاضر که از نوع توصیفی-تحلیلی است، با هدف بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مرتبط با نوع جرم صورت گرفت، روش به کار رفته در این پژوهش، روش پیمایش بوده و برای جمع آوری داده ها از ابزار پرسشنامه طیف لیکرت پنج گویه ای استفاده شد. جامعه آماری مجرمان شهر سرپل ذهاب بود که تعداد ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه آماری تعیین گردید. روش نمونه گیری، نمونه گیری احتمالی ساده بوده و برای سنجش فرضیات پژوهش از آن جا که متغیر وابسته از نوع اسمی چند بعدی بود از روش آزمون های آماری ناپارامتری و نوع کای اسکوئر و به صورت ساختگی از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. همچنین برای مشخص شدن روابط بین متغیرها از روش تحلیل مسیر استفاده شد. یافته های پژوهش نشان می دهد که بین سطوح دین داری، پیوند اجتماعی، محرومیت نسبی، خانواده نابسامان، طبقه اجتماعی، آزادی جوانان، سطح تحصیلات و وضع تاهل با نوع جرم پیوستگی آماری معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی: جرم، پیوند اجتماعی، محرومیت نسبی، خانواده نابسامان، طبقه اجتماعی.

^۱. گروه جامعه شناسی، واحد اسلام آباد غرب، ایران. maradi.pop@gmail.com

^۲. کارشناس ارشد جامعه شناسی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان. adibsharifi714@gmail.com

مقدمه

دامنه جرایم و انحرافات اجتماعی بسیار گسترده است و پیشرفته ترین آن عملی است که به لحاظ قانونی خلاف شمرده می شود و عامل اصلی آن متهم و محکوم و زندان می شود (ملکیان، شریفیان، ۱۳۸۸: ۱۴۴). گسترش آسیب های اجتماعی و جرایم از جمله مسایل اجتماعی عمده است که امروزه گریبانگیر بسیاری از جوامع کنونی خصوصاً جهان سوم که در حال گذر از سنت به مدرنیته هستند می باشد. مع الوصف در کشور ما با عنایت به عنصر اساسی سازمان دهنده نظام سیاسی که بر حول محور ارزش های دینی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی می باشد و با توجه به ساختار جمعیتی جوان در کنار مشکلات عدیده اقتصادی، جرایم و آسیب های اجتماعی از بغرنج ترین و پیچیده ترین مسایل اجتماعی است که موجب جریحه دار شدن وجدان جمعی و نگرانی عمده نخبگان علمی و سیاسی جامعه گردیده به طوری که می تواند سلامت و امنیت عمومی کشور را با چالش مواجه گرداند (محبوبی منش، ۱۳۸۰: ۱۰).

ساترلند^۱ با تاثیر از مک گی بیان می دارد که رفتار انحرافی مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همنشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می شود می توان به این نتیجه رسید که رفتار بزهدارانه از یادگیری در اثر تماس با افراد بزهدار و منحرف شکل می گیرد. به عبارتی افراد بزهدار بیش از سایر افراد با قانون شکنان در ارتباط هستند پس می توان گفت که جرایم پدیده های اجتماعی هستند که از زمان های دور تا به امروز مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. بنابراین امروزه جرم و مجرمی مساله اجتماعی تلقی می شود نه مساله اخلاقی و فردی (اجلالی، ۱۳۸۱: ۵۴).

مروری بر آمار در حوزه جرم و آسیب های اجتماعی نشان می دهد که روند برخی از آسیب ها و نابسامانی هایی که به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم بر سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی پایدار تأثیرگذار است، در حال افزایش بوده اند. فقط در برخی جرایم از سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۴ تنزل مشاهده می گردد که مجدداً از سال ۱۳۸۵ روند رو به رشد به خود گرفته است. نابسامانی هایی مانند میزان سرقت، میزان قتل، بیکاری رو به رشد، افزایش سن ازدواج، مساله اعتیاد، اختلاس، ارتشا و جعل، صدور چک بلامحل و ده ها موضوع دیگر افزایش یافته است. در کنار این عوامل می توان به برخی از آسیب های اجتماعی از قبیل میزان طلاق ثبت شده، انواع مواد مخدر کشف شده و شاخص نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور اشاره کرد؛ به طور کلی وضعیت این شاخص ها مبین افزایش برخی ناهنجاری های اجتماعی است که در زمان افول سرمایه اجتماعی رخ می دهد. در روند تعداد پرونده های

^۱ - Edwin sutherland

^۲ - Shaw mcgee

مختومه در دادگاه‌های عمومی در سال‌های ۸۵-۱۳۶۵ برگرفته از مرکز آمار ایران ارائه می‌گردد. می‌توان نتیجه گرفت که آمار کل جرایم از سال ۱۳۷۰ تقریباً با شدت ثابتی روند صعودی طی کرده است و از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ آهنگ نزولی به خود گرفته که البته مجدداً از سال ۱۳۸۴ در حال افزایش می‌باشد (مرادی، ۱۳۹۶: ۱۳).

بر اساس آمار دریافتی از دادگستری شهرستان سرپل ذهاب در سال ۱۳۸۹، تعداد ۵۶۲۸ پرونده در ارتباط با جرایم در دادگستری وجود داشته که این تعداد در سال ۱۳۹۰ به میزان ۶۶۶۶ پرونده افزایش یافته است که حاکی از رشد ۱۸/۵ درصدی میزان انحرافات در این شهرستان می‌باشد. همچنین در دو سال گذشته ۱۶۵۸۵ پرونده در شوراها حل اختلاف این شهر مورد بررسی قرار گرفته که در این بین ۱۹۴۴ پرونده فقط مربوط به سه ماهه اول سال ۱۳۹۱ می‌باشد (کریمی، ۱۳۹۱: ۴). از آنجا که هر پرونده حداقل دو طرف دعاوی را دارد می‌توان ادعا کرد که در سال ۱۳۹۰ حداقل چیزی حدود ۱۳۳۳۲ نفر پیشان وارد دادگاه شده و به عبارتی ۱۳۳۳۲ خانواده با مسائل اجتماعی به صورت مستقیم با دادگاه درگیر بوده‌اند. همچنین در ارتباط با پرونده‌های شورای حل اختلاف این مورد صادق است که با فرض دو طرف دعاوی میزان افرادی که مستقیم وارد شوراها شده‌اند در سه ماه اول سال جاری برابر با ۳۸۴۸ نفر بوده یعنی ۳۸۴۸ خانواده مستقیم با بحث انحراف وارد شورا شده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت از جمعیت ۸۵ هزار نفری این شهرستان در سال ۱۳۹۰ تا سه ماهه نخست سال ۹۱ جمعاً بیش از ۱۷۱۸۰ نفر وارد دعاوی در شوراها و دادگاه شده‌اند.

اگر در حالت خیلی خوش بینانه میانگین جمعیت خانواده‌های ساکن این شهرستان را سه نفر (تک فرزند همراه با پدر و مادر). در نظر بگیریم حدود ۲۸۳۳۳ خانواده در این شهرستان زندگی می‌کنند که تعداد ۱۷۱۸۰ خانواده یعنی بیش از ۶۰ درصد میزان کل خانواده‌های ساکن این شهرستان حداقل یکی از اعضایش یک بار پیش وارد دادگاه و شورا شده است.

اکثر پرونده‌ها شامل اختلافات ملکی، خلع ید، طلاق، انتقال مال غیر، حمل و نگهداری مشروبات الکلی، قاچاق مواد و کالا، سرقت، روابط نامشروع و... بوده است. از آنجا که جرایم زیادی وجود دارند که در دادگاه مطرح نشده یا در چنگ مأموران قانون نیفتاده‌اند می‌توان نتیجه گرفت که میزان واقعی آمار جرایم بیشتر از آمار رسمی ارائه شده می‌باشد. این مسأله خود می‌تواند زنگ خطری برای مسئولان و برنامه‌ریزان شهری باشد که بی‌توجهی به آن باعث افزایش جرایم می‌شود و نتیجه این وضع از یک سو سلامت روانی خانواده‌ها از بین می‌رود که باعث پایین آمدن رضایت از زندگی در بین آنان می‌شود که این امر خود موجبات انحرافات دیگر را محیا می‌سازد و از سوی دیگر امنیت جامعه را به چالش می‌کشد و باعث کند شدن روند توسعه شهری و پیشرفت می‌گردد. لذا برنامه‌ریزان و مسئولان امر از دو راه پرده پوشی و پاک کردن مساله و مدیریت مساله ناگزیر باید مدیریت مساله را

انتخاب کنند و این امر نیازمند تحقیقات و مطالعه علمی پژوهشگران علوم اجتماعی و نخبگان علمی هستند. در این راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با جرم صورت گرفت اما اهداف جزئی تری نیز مورد توجه بود که عبارتند از بررسی جرم برحسب گروه‌های سنی و جنسی، وضع تأهل و سن ازدواج، بررسی رابطه بین نوع جرم و سطح تحصیلات، میزان دین‌داری، خانواده نابسامان، پیوند اجتماعی، محرومیت نسبی و آزادی افراطی.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با پژوهش‌های خارج از کشور باید گفت که لوررو (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان جرم، شرایط اقتصادی-اجتماعی و برخورد‌های اجتماعی نتیجه گرفت که اولاً بین انگیزه‌های زندانیان محکوم شده تفاوت وجود دارد و موضوعات اقتصادی اصلی ترین عامل بروز جرایم غیر جنایی است، دوما زندانیانی که در مجاورت افراد خوب زندگی کرده بودند احتمال کمتری وجود داشت که دوباره مجرم شوند (Lrrr eooet al:۲۰۰۹). بونانو (۲۰۰۸) با پژوهشی تحت عنوان شناسایی اقتصادی-اجتماعی و آمارگیری مشخص جرایم در اسپانیا نشان داد که سطح تحصیلات، بیکاری، نرخ شهرنشینی، بر جرم تأثیر دارد. همچنین احتمال بازگشت مجدد به جرم در شهرهای بزرگ بیشتر از شهرهای کوچک و روستاهاست (Baaaa nnellll .o:۲۰۰۸). بکن و همکارانش در پژوهشی نتیجه گرفتند که والدین کودکان و نوجوانان فراری از فرزندان خود حمایت عاطفی کمتری به عمل می‌آورند، بسیار خشک و خشن رفتار می‌کنند و تنبیه‌گر هستند (غریبی، ۱۳۸۶: ۳۵).

در ایران، سراج زاده و گیلانی در سال ۱۳۸۹ در پژوهشی با عنوان بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم در دو منطقه سه (به عنوان منطقه کم آشوب). و منطقه ۱۲ (به عنوان منطقه پر آشوب). نتیجه گرفتند که احساس بی‌نظمی، تنوع خرده فرهنگی و نگرانی اجتماعی در بین منطقه سه کمتر از منطقه ۱۲ است (سراج زاده و گیلانی، ۱۳۸۹: ۲۲۷). در سال ۱۳۸۸ ملکیان و شریفیان در پژوهشی با عنوان عوامل اجتماعی موثر بر جرم زنان زندانی نشان دادند که جرایم زنان بیشتر شامل اعتیاد، روسپی‌گری، سرقت و قتل بوده است. این جرایم در فقر اقتصادی، بیکاری، فقدان والدین، والدین معتاد، سطح تحصیلات، سن پایین ازدواج، محیط زندگی نامناسب، خانواده نابسامان و تا حدودی پایین بودن میزان تعلقات اجتماعی ریشه دارد (ملکیان و شریفیان، ۱۳۸۸: ۱۶۵). پروین و محسنی تبریزی در پژوهشی با عنوان عوامل موثر بر سرقت نوجوانان در شهر کرمانشاه اظهار نمود که خانواده نابسامان، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، پیوند اجتماعی، محرومیت نسبی و میزان همنشینی با کجروان در بزهکاری نوجوانان تأثیر دارد (پروین و محسنی تبریزی، ۱۳۸۸: ۲). شارع پور و ورزیمیار با بررسی سرمایه اجتماعی و رابطه آن با جرم نشان دادند که سرمایه اجتماعی شناختی در درون خانواده در بین پاسخ‌گویان پسر و سرمایه اجتماعی ساختاری در درون خانواده برای دختران بیشترین تبیین‌کنندگی را

دارد. همچنین در بین سرمایه اجتماعی خانواده، صمیمیت و حمایت اجتماعی برای پسران و آگاهی والدین و عضویت در نهادهای اجتماعی برای دختران با رفتار بزهکاری رابطه داشته است (علیوردی نیا و شارع پور، ۱۳۸۷: ۴۲). غریبی در سال ۱۳۸۶ تاثیر عوامل خانوادگی و فرهنگی بر فرار دختران از خانه را مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که دختران فراری آزار و اذیت جسمی زیادی توسط والدین خود دریافت می کنند. پرخاشگری جسمانی بین والدین زیاد است و دختران از سوی خانواده عشق و علاقه کمی دریافت می کنند (غریبی، ۱۳۸۶: ۳۴). احمدی و نوری در پژوهشی با عنوان عوامل مرتبط با بزهکاری دانش آموزان نتیجه گرفتند که بین محل سکونت و رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. همچنین پایگاه اقتصادی-اجتماعی، وابستگی های دوستانه، خانواده و مدرسه، نابسامانی خانواده، تحصیلات والدین، بعد خانواده، سطح دین داری، رسانه ها و نظارت خانواده همگی با رفتار بزهکارانه رابطه دارند (احمدی و نوری، ۱۳۸۴: ۱۱۵). اسدلهپی و برات وند در پژوهشی با عنوان رابطه بین کودک آزاری والدین و الگوی مجرمانه شرارت در کودکان آزار دیده نتیجه گرفتند که ۹۰ درصد نمونه از سوی خانواده مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند (اسدلهپی و برات وند، ۱۳۸۴: ۲۲۵). بیانلو و منصوریان در پژوهشی تاثیر تراکم جمعیت با نوع جرم را مورد بررسی قرار دادند و نتیجه گرفتند که بین تراکم جمعیت با نرخ قتل، جعل اسناد و کلاهبرداری رابطه وجود دارد ولی تراکم جمعیت با متغیر نرخ آدم ربایی و سرقت مسلحانه معنا دار نبوده است (بیانلو و منصوریان، ۱۳۸۴: ۳۱). شرافتی پور در پژوهشی به بررسی ویژگی های اقتصادی-اجتماعی زنان خیابانی پرداخت و برخی از ویژگی های آنان را بدین شرح مشخص کرد: دختران از مقطع سنی ۱۲ تا ۱۷ سالگی در معرض خطر انحراف جنسی قرار دارند. اکثر افراد اولین انحراف جنسی را در سن ۱۳ سالگی تجربه کرده اند که عموماً ناخواسته بوده است همچنین اکثر زنان بی سواد بوده اند (شرافتی پور، ۱۳۸۳: ۱۸۹). هاشمیان پژوهشی با عنوان عوامل خانوادگی موثر بر فرار دختران انجام داده که نتیجه گرفت تحصیلات، سابقه مصرف مواد و مشروبات، شغل والدین، سابقه اعتیاد در خانواده و تعداد فرزندان در خانواده با فرار دختران رابطه دارد (هاشمیان، ۱۳۸۱: ۱۲). همچنین محمد خانی رابطه عوامل روانی-اجتماعی موثر بر فرار دختران را مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که هوش هیجانی دختران فراری و عادی با هم متفاوت است. میانگین این نمره برای دختران فراری کمتر از دختران عادی است به عبارتی بین بهره هوشی دختران فراری و دختران عادی تفاوت معنادار آماری وجود دارد (محمد خانی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). صادقی و شقاقی شهری در پژوهشی با عنوان عوامل اقتصادی-اجتماعی اثرگذار بر جرم نشان دادند که نرخ بیکاری، نابرابری درآمدی و صنعتی شدن از جمله متغیرهای مهم اثر گذار بر جرم است به نحوی که افزایش نرخ بیکاری و نابرابری درآمد باعث افزایش سرقت شده در حالی که افزایش صنعتی شدن نرخ سرقت را کاهش داده است. در ارتباط با قتل متغیرهایی چون بیکاری، فقر نسبی و نابرابری درآمد از جمله متغیر های

مهم بوده‌اند (صادقی و اصغرپور، ۱۳۸۳: ۱۴). مرادی و غفاری (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی رابطه بین کنترل‌کننده‌های رسمی و نگرش افراد به جرم: مورد مطالعه در کرمانشاه به نقش پلیس به عنوان بازدارنده (رسمی) توجه کردند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد میزان وقوع سرقت وسیله نقلیه شخصی از میان جرایم اجتماعی از همه بیشتر است. به طوری که ۱۹۷ نفر یا به عبارتی ۶۵ درصد پاسخگویان اظهار داشتند که میزان شیوع این نوع جرم در جامعه بیشتر است. رابطه نامشروع، نزاع دسته جمعی، کتک خوردن از افراد ناشناس، قاچاق و تصادف از جمله جرایمی است که در رتبه‌های بعدی قرار دارند. ضریب همبستگی برای سه متغیر میزان ناهنجاری، میزان نظارت اجتماعی و میزان حضور پلیس معنادار می‌باشد. رابطه بین متغیرهای مذکور برای میزان حضور پلیس (۴۴/۰- = F)، میزان نظارت اجتماعی (۱۲/۵- = F) و میزان ناهنجاری (۴۸۵/۰ = F) می‌باشد.

مروری بر مباحث نظری

دانشمندان و محققان در مورد یک پدیده واحد تعبیر و تفسیرهای متفاوتی ارائه داده‌اند. مضمینی مانند "هر که از ظن خود شد یار من، از درون من نجست اسرار من"، "هر که نقش خویش ببند در آب، برزگر باران و گازر آفتاب". گویای این مسأله است که علت تفاوت تفسیرها در نظریه‌ای است که تفسیر کنندگان به آن اعتقاد دارند. افراد بر اساس زمینه‌های تجربی و فرهنگی خاصی که دارند دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خاصی نسبت به پدیده‌ها داشته‌اند و این دیدگاه‌ها است که باعث ایجاد چارچوب نظری شده است (کریمی، ۱۳۸۷: ۲۳). مکتب تحقیقی بر اساس اصل برداشت علمی از جرم و جرم‌شناسی بنا شده است. این مکتب اینگونه فرض می‌گیرد اختلاف متمایز ما بین شخص طبیعی و منحرف وجود دارد. در این حال این مکتب به دنبال این است که معیارهای ویژه‌ای که باعث پیدایش رفتار منحرفانه یا مجرمانه می‌شود را مورد مطالعه قرار بدهد. یکی از مبانی مکتب تحقیقی این عقیده است که رفتاری توسط فرد انجام می‌شود از پیش تعیین شده است. یعنی در واقع فعالیت و رفتار اشخاص به وسیله عوامل و نیروهای خارج از کنترل فرد شکل داده می‌شود. پس در واقع رفتار فرد نشانگر تاثیر عوامل خاص بر روی شخص می‌باشد زیرا که امکان دارد این عوامل خارجی در واقعیت امر ریشه در عوامل زیست‌شناختی، روانشناختی یا اجتماعی داشته باشد. مکتب تحقیقی به جای اینکه افراد جامعه را به عنوان اشخاصی که دارای قابلیت‌های مساوی و حقوقی برابر هستند در نظر بگیرد بر روی تفاوت‌های اشخاص تاکید می‌کند که همین تفاوت‌های فردی شرایط مختلف و متنوع موثر بر روی فرد را نشان می‌دهد. بنابراین موضوع اصلی در این مکتب به جای اینکه در مورد عمل مجرمانه باشد بر روی ماهیت و خصوصیات شخصیتی خود فرد مجرم می‌باشد (وایت، ۱۳۸۲:

۷۲). در حالی که رویکرد اثبات‌گرایی زیست‌شناختی بر اساس اندیشه‌های لمبرزو^۱ سعی داشت گروه‌های انسانی را از لحاظ تفاوت‌های نژادی و بیولوژیکی طبقه‌بندی کند و بر این عقیده بود که انسان مجرم متولد می‌شود نه این که به یک فرد مجرم تبدیل می‌شود (وایت، ۱۳۸۲: ۷۶).

اثبات‌گرایان روان‌شناختی درباره انحرافات، نظر دیگری ارائه داده‌اند. نظریه پردازان این مکتب عقیده داشتند که جرم در اثر مسائل بیولوژیکی که به واسطه عامل خارجی به وجود آمده‌اند مانند جراحت جنگی یا عوامل روان‌شناختی داخلی (بیماری‌های روانی). که قابل درمان بودند به وجود می‌آید نه این که مجرم به دنیا می‌آید. پیروان این دیدگاه مجرم را به عنوان یک فرد بیمار در نظر می‌گیرند و معتقد به درمان آن هستند این تئوری چندین دیدگاه را شامل می‌شود. برخی به نظریه روان‌کاوی اهمیت می‌دهند که ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه را مورد بررسی قرار می‌دهند و به دنبال این هستند که بدانند چگونه احساسات و باورها بر روی رفتار فرد تاثیر می‌گذارند و برخی دیگر بر روی ویژگی‌های شخصیتی همانند مطالعات حالات ستیزه‌جویی و منفعل بودن تاکید می‌کنند. نهایتاً عده‌ای با نگاهی به دوران کودکی و محرومیت‌های او به مسأله نگاه می‌کنند زیرا معتقد هستند که محرومیت‌ها به پدید آمدن الگوهای شخصیتی در دوره‌های بعدی زندگی منجر می‌شود (وایت، ۱۳۸۲: ۸۱).

در بین انواع دیدگاه‌های جرم‌شناسی، دیدگاه‌های جامعه‌شناسی نظریات متفاوت تری را ارائه داده‌اند. رویکرد برچسب‌زنی با این فرض که جرم و رفتار مجرمانه یک روند تحول اجتماعی می‌باشد آغاز شد. تاکید اصلی این است که هر آنچه به عنوان جرم به حساب می‌آید در واقعیت امر به وسیله عملکرد و فعالیت‌های نظام عدالت کیفری و مأمورین آن تصمیم‌گیری می‌شود. این بدان معنی است که تعریف نوع خاصی از رفتار به عنوان رفتار مجرمانه یا فرد خاص به عنوان مجرم بستگی به این دارد که عمل برچسب‌زنی توسط چه کسی صورت گرفته است. بنابراین مشخص کردن این که چه چیزی جرم است توسط مأمورین رسمی و افرادی که دارای قدرت برچسب‌زنی هستند صورت می‌گیرد (وایت، ۱۳۸۲: ۱۲۳). نظریه انگ‌زنی مفاهیم مربوط به بزهکاری را به چالش کشیده است. بنابر این نظریه بزهکاری انگی است که توسط جامعه‌ی بزرگ مسلط برخی از نوجوانان زده می‌شود. نظریه انگ‌زنی به فراشد برچسب‌زنی تاکید می‌کند تا رفتار بزهکارانه. سابقاً تئوری‌های جامعه‌شناسی می‌پرسند: چرا برخی از نوجوانان قانون شکن هستند ولی برخی دیگر نه؟ تئوری انگ‌زنی در این مورد می‌پرسد: اگر همه نوجوانان مرتکب اعمالی شوند که می‌توان آن را بزهکاری تلقی کرد، چرا به برخی از این نوجوانان انگ بزهکاری می‌چسبد ولی به بسیاری دیگر نه؟ (شیخاوندی داور، ۱۳۸۴: ۲۶۹). نکته

^۱ Lmbrzv

اصلی که در اینجا وجود دارد روابط موجود بین فرد مجرم و آنانی است که دارای قدرت برچسب زنی هستند. نتیجه این رابطه به خصوص نتیجه خود روند برچسب زنی این است که امکان دارد بدنام کردن اتفاق بیافتد. این امکان وجود دارد که به واسطه فرایند برچسب زنی اثرات منفی به وجود بیاید. مانند این که فردی که مورد برچسب زنی قرار گرفته شده است نقش آن فرد را می پذیرد که برچسب به او القا کرده است. به بیان دیگر اگر فرد به طور رسمی به عنوان یک انسان منحرف خلافتکار و یا جنایتکار معرفی شود این امکان وجود دارد که این مطلب به شکلی نمود پیدا کند که با برچسب مطابقت کند. در حقیقت نظریه برچسب زنی بر روی تاثیر عمل برچسب زنی بر روند تحولات روحی، روانی و اجتماعی مجرمین تاکید می کند (وایت، ۱۳۸۲: ۱۲۴). همچنین پیروان نظریه فشار در این باره بیان می کنند که جرم به طور حتم یک پدیده اجتماعی است این مفهوم بر روی یک برداشت اجتماعی از رفتارهای اشخاص و گروه ها بنا شده است. این رویکرد به جای نگاه کردن به جنبه های روان شناختی شخصیتی یا ویژگی های بیولوژیکی فردی این گونه استدلال می کنند که جرم به خاطر عوامل اجتماعی برانگیخته می شود بنابراین یک رفتار مجرمانه یا منحرفانه محصول نوع خاصی از نظام اجتماعی می باشد در اصل به نظر می رسد فعالیت های بزهکارانه توسط عوامل و نیروهای اجتماعی گسترده تری از پیش تعیین شده است و آنان با توجه به حق انتخاب اجتماعی که در دست دارند انتخابهای آگاهانه کمتری دارند (وایت، ۱۳۸۲: ۹۷). نکته اصلی تجزیه و تحلیل نظریه فشار در مورد فشارهایی است که در ارتباط با فرصت های ساختاری و فرآیندهای فرهنگی می باشد طبق این مساله گاهی علت جرم در ابزارها و فرصت های محدود و ناکافی تجلی پیدا می کند به این عنوان که افراد و گروه های اجتماعی برای دستیابی به اهداف وقتی از ابزارها و فرصتهای مناسب برخوردار نباشند از راه های جایگزین که شامل شیوه های مجرمانه است استفاده می کنند (وایت، ۱۳۸۲: ۹۹). در این بین تئوری تشکلات متمایز به عنوان یک دیدگاه جامعه شناختی نظر متفاوت تری ارائه داده است. بر اساس این نظریه جرم یک رفتار ناهنجاری است که از طریق همان اصولی که رفتار غیر مجرمانه را تبیین می کنند می تواند تبیین شود. ساترلند بیان می کند که فراشدی که طی آن فرد بزهکار می شود، یعنی نسبت به بزهکاری برداشت مساعد می یابد و الگوهای رفتاری مربوط بدان را همان مقدار یاد می گیرد که ما کردار بهنجار را می آموزیم. یعنی رفتار مجرمیت در جریان تشکل رویاروی از دیگران مهم آموخته می شود به عقیده ساترلند تفاوت در محتوای یادگیری است نه در فراشد آن. ساترلند ضمن رد بی سازمانی اجتماعی، مفهوم سازمان متمایز را ارائه داده است به نظر او در یک جامعه ناهمگون و متکثر برخی گروه ها بر محور هنجارها و ارزش هایی که موافق و منطبق با قانون است متشکل می شوند، در صورتی که عده ای بر محور تعاریفی که موافق با قانون شکنی هستند تشکل می یابند (شیخاوندی داور، ۱۳۸۴: ۲۶۴). تئوری های خورده فرهنگی در ارتباط با جرم و انحراف

نظریاتی داشته اند از آن جمله یکی از معروف ترین نظریه های خرده فرهنگی نظریه کوهن^۱ است. اصطلاح خرده فرهنگ بزهکاری برای بار نخست در کتاب پسرهای بزهکار ظاهر شد. بنابر قول کوهن، شرایط عمده برای پیدایش خرده فرهنگ عبارت است از وجود اندرکنش میان کنش گرانی که با مسائل مشابه سازگاری دارند. نوجوانان طبقه پایین با مسائلی سازگاری می یابند که در بسیاری از موقعیت ها به ویژه در مدرسه از آنان خواسته می شود که طبق معیارهای طبقه متوسط رقابت کنند. داوری چنین رقابتی هم توسط معلمان وابسته به معیارهای طبقه متوسط است (شیخاوندی داور، ۱۳۸۴: ۲۶۵). در واقع چنین معیاری به طبقه مسلط و مرفه تعلق دارند مانند سلامت در زبان و هوشمندی، خوب درس خواندن، با ادبی و پاکیزگی، بچه های طبقه پایین وقتی این معیارها را نمی توانند رعایت بکنند در مدرسه رد می شوند زیرا که تربیت اولیه و خانوادگی آنان را برای چنین رقابتی آماده نمی کنند (شیخاوندی داور، ۱۳۸۴: ۲۶۵). این تئوری تبیین بالا بودن بزهکاری در میان طبقات پایین جامعه را تسهیل می کند. این تئوری چنین برداشت می کند که جوانان وابسته به طبقات پایین که امکان اندکی برای رقابت با معیارهای نوجوانان طبقه متوسط دارند، ظاهرا به خرده فرهنگ بزهکاری متوسل می شوند تا به شیوه ی خود کاستی ها را جبران کنند. اگر تأکید بر مسأله دوام و نگهداری به عمل آید آن وقت تئوری خرده فرهنگ بزهکاری وسیله مفیدی برای آزمون برخی فرضیه های مربوط به تشکلات ممتاز می تواند باشد. مثلا می توان فرض کرد که فرد ارزش های خرده فرهنگ بزهکاری را در جریان عضویت و مشارکت در گروه حامی این خرده فرهنگ می آموزد (شیخاوندی داور، ۱۳۸۴: ۲۶۶). گودآدر نظریه خود تحت عنوان آنومی و ساختار خانواده بیان می کند خانواده رکن اساسی جامعه است. به زعم او منشا هرگونه رفتار انحرافی را می توان در ساختار نابسامان خانواده پی جویی کرد. یک خانواده نابسامان و از هم گسیخته خود عامل زمینه انحراف است و فرد را به سمت کج رفتاری سوق می دهد (پروین و محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۴۱). نظریه پردازان فرصت بیان می کنند که صرف وجود بزهکار و بزه دیده جرم واقع نمی شود بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب نیز فراهم باشد. این نظریه مدعی است که افزایش فرصت وقوع جرم باعث افزایش جرم و کاهش فرصت جرم باعث کاهش وقوع جرم می شود. در این رویکرد سه دیدگاه به چشم می خورد فعالیت روزمره، الگوی جرم، الگوی انتخاب معقول. (محمد نسل، ۱۳۸۶: ۲۹۴). در بین نظریات موجود در حوزه جرم شناسی برای چارچوب نظری پژوهش حاضر نظریه محرومیت نسبی و عوامل به وجود آمدن این محرومیت مورد نظر بوده است. محرومیت نسبی به عقیده گرآعبارت است از تفاوت درک (شده). بین انتظارهای

^۱ Cohen

^۲ William goode

^۳ Tdra Robert ger

ارزشی افراد(وسایل و شرایط زندگی ای که افراد معتقدند به راستی حق آنهاست). و توانایی ارزشی آن ها(وسایل و شرایطی که افراد فکر می کنند استعداد به دست آوردن و نگهداری آنها را دارند). محرومیت نسبی درک تفاوت میان انتظارات ارزشی و توانایی های ارزشی افراد است که ممکن است بر اساس مقایسه وضعیت فعلی فرد با گذشته خود، آرمان های انتزاعی یا معیارهایی که توسط یک رهبر یا یک گروه مرجع طراحی شده است(ایدئولوژی) و ارجاع به گروه های دیگر، شکل گیرد. بدین ترتیب محرومیت نسبی می تواند سه نوع متفاوت داشته باشد.

الف. محرومیت نزولی، که در آن انتظارات افراد ثابت اما توانایی های آنان به طور مداوم کاهش می یابد.

ب. محرومیت ناشی از بلند پروازی، یعنی در حالی که توانایی های افراد ثابت است انتظاراتشان افزایش می یابد.

ج. محرومیت صعودی، که پس از یک دوره رشد همزمان انتظارات و توانایی ها، توانایی ها از رشد صعودی باز ایستاده و یا کاهش شدیدی می یابد و انتظارات همچنان حالت صعودی دارد. هر چه محرومیت نسبی ایجاد شده بر اساس تفاوت میان انتظارات و توانایی ها شدیدتر باشد، آن گاه نارضایتی شدیدتر و احتمال و شدت خشونت هم بیشتر خواهد بود. محرومیت نسبی موجب بروز نارضایتی در افراد می گردد و نارضایتی محرکی برای اقدام علیه منبع محرومیت است(سام دلیری، کاظم، ۱۳۸۲: ۸۱۶-۸۱۴). حال افرادی که منبع محرومیت بر خود را از جامعه و افراد پیرامون خود ببینند با اقدام علیه آنان باعث ایجاد بی نظمی و قانون شکنی می شوند.

روش پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر از انواع روش های موجود در جامعه شناسی از روش پیمایش استفاده شده است. برای جمع آوری اطلاعات و داده های لازم در مورد متغیرهای به کار رفته شده از پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه از نوع محقق ساخته و پنج درجه ای طیف لیکرت بود که شامل سه بخش است. بخش نخست شامل اطلاعات فردی پاسخگو، بخش دوم شامل رفتارهای انحرافی بود که پاسخگو مرتکب شده و در نهایت بخش سوم در برگیرنده سوالاتی بود که در تایید یا رد فرضیه به محقق کمک می کرد. در پژوهش حاضر جامعه آماری شامل کلیه جرایم در سال ۱۳۹۰ در شهرستان سرپل ذهاب می باشد. برای تعیین حجم نمونه، از آن جا که در این شهرستان زندان وجود ندارد و محکومان به زندان باید به زندان های شهرهای مجاور منتقل شوند به درستی آمار دقیقی از زندانیان و محل زندان متهمان این شهر وجود نداشت. لذا این خطر که ممکن است پرسشنامه در بین زندانیانی که ساکن سرپل ذهاب نباشند پخش شود وجود داشت. جهت اطمینان از این که پرسشنامه در بین مجرمان این

شهرستان پخش شود به ناچار از نمونه های قابل دسترس با حجم نمونه ۱۵۰ نفری استفاده شد که شیوه نمونه گیری نیز از نوع احتمالی ساده بود.

قبل از اجرای پرسشنامه، اعتبار و روایی آن سنجیده شد. برای تعیین روایی ابزار پژوهش، از روش روایی محتوا استفاده شد بدین شکل که ابتدا بر اساس مطالعات صورت گرفته و تشکیل چند جلسه مصاحبه گروهی با دانشجویان رشته علوم اجتماعی و افسران نیروی انتظامی، فرضیاتی طراحی شد و بر این اساس مولفه های کلی شناسایی و برای اندازه گیری هر یک شاخص هایی در نظر گرفته شد و به صورت سوال طراحی گردید که در این ضمن برای بازنگری دقیق تر و تخصصی تر توسط صاحب نظران و استادان دانشگاه مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت. برای تعیین میزان و دقت ابزار پژوهش از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آلفای در جدول نشان داده شده است.

روش پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر از انواع روش های موجود در جامعه شناسی از روش پیمایش استفاده شده است. برای جمع آوری اطلاعات و داده های لازم در مورد متغیرهای به کار رفته شده از پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه از نوع محقق ساخته و پنج درجه ای طیف لیکرت بود که شامل سه بخش است. بخش نخست شامل اطلاعات فردی پاسخگو، بخش دوم شامل رفتارهای انحرافی بود که پاسخگو مرتکب شده و در نهایت بخش سوم در برگزیده سوالاتی بود که در تایید یا رد فرضیه به محقق کمک می کرد. در پژوهش حاضر جامعه آماری شامل کلیه جرایم در سال ۱۳۹۰ در شهرستان سرپل ذهاب می باشد. برای تعیین حجم نمونه، از آن جا که در این شهرستان زندان وجود ندارد و محکومان به زندان باید به زندان های شهرهای مجاور منتقل شوند به درستی آمار دقیقی از زندانیان و محل زندان متهمان این شهر وجود نداشت. لذا این خطر که ممکن است پرسشنامه در بین زندانیانی که ساکن سرپل ذهاب نباشند پخش شود وجود داشت. جهت اطمینان از این که پرسشنامه در بین مجرمان این شهرستان پخش شود به ناچار از نمونه های قابل دسترس با حجم نمونه ۱۵۰ نفری استفاده شد که شیوه نمونه گیری نیز از نوع احتمالی ساده بود.

قبل از اجرای پرسشنامه، اعتبار و روایی آن سنجیده شد. برای تعیین روایی ابزار پژوهش، از روش روایی محتوا استفاده شد بدین شکل که ابتدا بر اساس مطالعات صورت گرفته و تشکیل چند جلسه مصاحبه گروهی با دانشجویان رشته علوم اجتماعی و افسران نیروی انتظامی، فرضیاتی طراحی شد و بر این اساس مولفه های کلی شناسایی و برای اندازه گیری هر یک شاخص هایی در نظر گرفته شد و به صورت سوال طراحی گردید که در این ضمن برای بازنگری دقیق تر و تخصصی تر توسط صاحب نظران و استادان دانشگاه مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت. برای تعیین میزان و دقت ابزار پژوهش از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آلفای در جدول نشان داده شده است

مقدار آلفا	تعداد گویه	متغیر
.۱۷۵	۶	میزان گرایش های دینی
.۱۶۹	۷	میزان محرومیت نسبی
.۱۵۰	۶	میزان پیوند اجتماعی
.۱۶۹	۵	میزان آزادی فردی
.۱۵۴	۷	میزان خانواده نابسامان

برای تجزیه و تحلیل داده ها از آن جا که روش های آماری مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده ها با توجه به نوع پژوهش و ویژگی های داده ها متفاوت است، انتخاب روش مناسب برای آزمون فرضیات با توجه به نوع متغیرها ضروری جلوه می نماید. در پژوهش حاضر سعی شده این مهم مورد توجه قرار گیرد. بر این مینا برای توصیف متغیرها از آمارهای توصیفی مانند میانگین و جداول توزیع فراوانی استفاده شد و برای آزمون فرضیات از آنجا که متغیر وابسته پژوهش از نوع اسمی چند بعدی بود از آزمون های ناپارامتری و نوع کای اسکوئر استفاده شد. همچنین در این پژوهش متغیرها به صورت ساختگی وارد معادله رگرسیونی چند متغیره شدند و برای مشخص کردن روابط بین متغیرها از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شد. مفاهیم اساسی پژوهش حاضر به شرح زیر است.

جرم: به آن دسته از رفتارها و کنش ها گفته می شود که از حد تحمل یک گروه اجتماعی خاص فراتر رفته به طوری که با هنجارهای اصلی جامعه در تضاد است و دولت تصمیم به دخالت در کنترل آن می گیرد (کلدی، ۱۳۸۱: ۵۷). در پژوهش حاضر جرم به عنوان متغیر وابسته در سطح اسمی به چند نوع مانند قتل، سرقت، روابط نامشروع و جعل سند و.... تقسیم شد و به صورت سوال از پاسخ گویان راجع به رفتارهای انحرافی آنان سوال شد.

پیوند اجتماعی: پیوند اجتماعی بر میزان ارتباط فرد با دیگران اشاره دارد (پروین، ۱۳۸۸: ۴۳). در پژوهش حاضر برای سنجش این مولفه به عنوان متغیر مستقل در سطح فاصله ای شاخص های چون اعتقاد به صداقت در رفتار، اعتماد افراد، میزان همیاری مردم و... به صورت شش گویه مطرح شد. محرومیت نسبی: به معنی این اصل کلی است که پاداش های دریافت شده توسط شخص به طور مطلق ارزیابی نمی شود بلکه نسبت به انتظارات او برآورد می گردد. برای سنجش این عامل به عنوان متغیر مستقل، در سطح فاصله ای شاخص هایی چون برابری شرایط رقابتی، روند کاهش یا افزایش اقتصاد خانواده، تضاد بین آرمان و واقعیت و... به صورت هفت گویه مطرح شد. خانواده نابسامان نیز به معنی شکستن واحد خانوادگی و یا تجزیه و ترکیب نقش های اجتماعی است به دلیل آن که یک یا چند نفر از اعضای خانواده آن طور که باید از عهده وظایف خود بر نیامده اند (شرافتی پور، ۱۳۸۳: ۱۸۷). برای سنجش این مولفه به عنوان متغیر مستقل، شاخص هایی مانند اعتماد اعضای خانواده، وجود بیمار روانی و معتاد، میزان بیان عواطف و... به صورت هفت گویه مطرح شد.

مذهب: احساس تنهایی و ناتوانی در برابر سختی ها و مشکلات زندگی آسیب پذیری انسان را به شدت افزایش می دهد و انسان را به یاس و ناامیدی نزدیک می کند که ناشی از تفکر مادی است. حال اگر اعتقاد به خدا وجود داشته باشد اعتماد به نفس افزایش یافته و انحراف به وجود نمی آید (خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۲۵۸). برای سنجش این متغیر به عنوان عامل مستقل، میزان اعتقاد افراد به مناسب بودن فضای مسجد و اماکن مذهبی، روحانیون و کتب دینی و... به صورت شش گویه مطرح شد.

آزادی افراطی: از دیدگاه جرم شناسان و آسیب شناسان اجتماعی یکی از گروه های در معرض خطر و آسیب پذیر کودکان، نوجوانان و جوانان هستند. علت اصلی این آسیب پذیری شرایط خاصی است که این افراد از نظر تربیتی و تاثیر پذیری از دیگران در آن قرار دارند به گونه ای که به اعتقاد روانشناسان و متخصصین علوم تربیتی حساس ترین مقطع سنی به لحاظ شکل گیری شخصیت مقطع سنی است که این افراد در آن قرار دارند. این افراد گرچه در مقاطع سنی متفاوتی قرار دارند که تا ۲۵ سالگی ادامه می یابد اما ویژگی مشترک آنان در این است که شخصیت آنان در حال تکوین است و ارتباط آنان با دیگران بیشترین تاثیر را بر چگونگی شکل گیری شخصیت آنان دارد (خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۲۵۰). حال اگر خانواده ها بیش از حد لازم فرزندان خود را آزاد گذاشته و در نوع روابط و نوع دوستان آنان هیچ دخالتی نداشته باشند احتمال زیادی دارد که این افراد در گروه های بزهکار عضو شوند و ناخواسته وارد دنیای جرایم و انحرافات اجتماعی شود در واقع رویکرد فرصت جرم و کنترل

اجتماعی نیز این ادعا را تایید کرده اند و بیان می دارند که هرچقدر افراد در معرض انجام رفتار بزهکاری قرار گیرند و با افراد بزهکار تعامل داشته باشند و کنترلی بر رفتار آنان نباشد و فرصت رفتار انحرافی برای آنان بیشتر محیا گردد احتمال وقوع رفتار خلاف قانون در این افراد بیشتر می شود در واقع تفکر حاکم بر این نظریه این است که صرف وجود بزهکار و بزه دیده جرم واقع نمی شود بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب نیز فراهم باشد درواقع همان امری است که در فلسفه تحت عنوان فراهم بودن مقتضیات و فقدان موانع شناخته شده است (محمدنسل، ۱۳۸۵: ۲۹۴). در نتیجه جوانانی که در خانواده های آزاد قرار دارند و بر رفتار آنان کمتر کنترل وجود دارد احتمال بروز رفتار انحرافی در آنان بیشتر است. برای سنجش این عامل به عنوان متغیر مستقل، شاخص هایی چون، میزان حساسیت خانواده به رفت و آمد فرزندان، شناخت دوستان، میزان تاثیر پذیری از خانواده و والدین و... در سطح فاصله ای به صورت سوال مطرح شده است.

یافته های پژوهش

بر اساس یافته های جدول شماره یک می توان دریافت که بیشتر فراوانی جرایم در بین نمونه پژوهش مربوط به روابط نامشروع با ۲۱/۳۳ درصد و کمترین جرایم مربوط به نزاع دسته جمعی با یک درصد فراوانی می باشد. در این پژوهش مشخص شد که جرایم زنان بیشتر شامل رابطه نامشروع و سپس تصادف بوده در حالی که جرایم مردان بیشتر به ترتیب شامل نزاع فردی، قاچاق، مواد مخدر و رابطه نامشروع بوده است. وضعیت کلی جرایم بر حسب جنسیت در این شهرستان به قرار زیر است.

جدول شماره ۱-وضع جرایم بر حسب جنسیت

نوع جرم	مرد	زن	جمع کل	نوع جرم	مرد	زن	جمع کل
قتل	۲	۰	۲	نزاع فردی	۲۰	۰	۲۰
جعل سند	۴	۰	۴	نزاع جمعی	۲	۰	۲
کلاهبرداری	۸	۰	۸	سلاح غیر مجاز	۱۰	۰	۱۰
سرقت عادی	۱۳	۲	۱۵	تصادف	۶	۳	۹
رابطه نامشروع	۱۶	۱۶	۳۲	مهریه	۱۰	۰	۱۰
مواد مخدر	۱۷	۰	۱۷	قاچاق	۱۹	۰	۱۹

				۱۵۰	۲۱	۱۲۹	جمع کل
--	--	--	--	-----	----	-----	--------

براساس یافته های پژوهش بررسی جرایم بر حسب گروه های سنی و جنسی به این صورت بود که ۸۶ درصد پاسخ گویان مرد و بقیه زن بوده اند. بیشتر پاسخگویان در مقطع سنی ۲۸ سال قرار دارند. جوان ترین پاسخگویان در مقطع سنی ۱۶ سال و کهن ترین سال ترین آنان در مقطع سنی ۵۰ سال قرار دارد. میانگین سن افراد ۱۹ سال بود. ۶۶ درصد پاسخ گویان مجرد و ۳۲/۷ درصد متأهل بوده اند. ۱۳ درصد افراد حداقل یکبار ازدواج کرده و طلاق گرفته اند. میانگین سن ازدواج افراد ۲۶ سال بود که بیشتر ازدواج ها در سن ۲۸ سالگی با ۲۱ درصد و پایین ترین آنها در سن ۱۹ سالگی با ۳ درصد بود. یافته ها نشان می دهد که ۲۲ درصد فراوانی پاسخگویان بیکار و بی درآمد بوده اند در بین کسانی که دارای درآمدی بوده اند بیشترین فراوانی را کسانی تشکیل داده اند که درآمدی برابر با ۳۰۰۰۰۰ تومان با ۲۱ درصد حجم نمونه بود. میانگین درآمد ۳۳۵۸۰۰ تومان بوده است. در ارتباط با نوع رسانه ای که مورد استفاده قرار گرفته می توان گفت که در بین پاسخگویان نمونه این پژوهش بیشتر افراد مخاطبان تلویزیون و ماهواره به ترتیب با ۵۰ درصد و ۴۲ درصد بوده اند. در مورد سطح تحصیلات می توان اظهار نمود که بیشتر افراد با ۴۸/۷ درصد در سطح بی سواد بودند. ۳۱/۳ درصد دارای تحصیلات متوسطه و تنها ۱۰ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده اند. در ارتباط با نوع تشکل های اجتماعی رسمی که افراد در آن عضو بودند اکثر افراد با ۶۸ درصد جزء هیچ انجمن اجتماعی نبوده اند. ۲۹/۳ عضو انجمن بسیج و ۲/۷ درصد در عضویت انجمن های ادبی بوده اند. اکثر افراد از مهاجرانی بوده اند که از روستاهای اطراف به شهر مهاجرت کرده اند. در پژوهش حاضر برای سنجش فرضیات از آزمون های ناپارامتری استفاده شد. بر اساس یافته های جدول شماره دو بین دو متغیر محرومیت نسبی و جرم پیوستگی آماری معنادار وجود داشت این معنا داری بر اساس آزمون کای اسکور با مقدار ۸۲/۶۳ و معناداری ۰/۴۳ و سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار بود. در ارتباط با کسانی که دارای بالاترین سطح محرومیت بوده اند بیشتر جرایم شامل روابط نامشروع، مواد مخدر و قاچاق بود که به ترتیب فراوانی برابر با ۲۰/۶۸، ۱۹/۵۴ و ۱۲/۶ درصد از پاسخگویان بوده اند که این مقدار برای کسانی که در پایین ترین سطح محرومیت بودند برای هر سه نوع جرم صفر بوده است.

جدول شماره ۲- به نظر می رسد بین سطح محرومیت نسبی و جرم پیوستگی معنادار آماری

وجود دارد.

سطح	بسیار محروم	محروم	تا حدودی محروم	جمع کل
فراوانی	۸۷	۵۵	۸	۱۵۰
Sing= /043				

بر اساس جدول شماره سه که به بررسی دو متغیر سطح تربیتی (آزادی افراطی). و جرم پرداخته، می توان نتیجه به معنادار بودن دو متغیر گرفت. این معناداری بر اساس آزمون کای اسکوئر با مقدار ۱/۴۸ و سطح معناداری ۰/۰۰ و در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار بوده است. بیشتر جرایم در خانواده های بسیار آزاد بود، در میان کسانی که بسیار آزاد بوده اند بیشتر جرایم شامل قاچاق، رابطه نامشروع و سرقت بوده که به ترتیب فراوانی برابر با ۲۵، ۲۰ و ۱۵ درصد بود.

جدول شماره ۳- به نظر می رسد بین سطح تربیتی و جرم پیوستگی معنادار وجود دارد.

سطح	خشک	معمولی	بسیار آزاد	تا حدودی آزاد	جمع کل
فراوانی	۳۱	۳۰	۶۰	۲۷	۱۴۸
Sing= /000					

بر اساس یافته های جدول شماره چهار می توان نتیجه گرفت که بین پیوند اجتماعی و جرم پیوستگی معنادار وجود دارد این معناداری از طریق آزمون کای اسکوئر با مقدار $81/57$ با سطح معنا داری $0/000$ و سطح حداقل 95 درصد معنادار بوده است.

جدول شماره ۴- رابطه بین پیوند اجتماعی و جرم

تفاضل دو فراوانی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	فراوانی سطح
-۴۰	۵۰	۱۰	بالا
۷۴	۵۰	۱۲۴	پایین
-۳۴	۵۰	۱۶	متوسط
۰	۱۵۰	۱۵۰	جمع کل

بر اساس یافته های جدول شماره پنج می توان نتیجه گرفت که بین وضع تاهل و سن ازدواج و جرم پیوستگی معنادار آماری وجود دارد. این نتایج بر اساس آزمون کای اسکوئر با مقدار $97/81$ و در سطح معنی داری $0/012$ و در سطح حداقل 95 درصد معنادار بوده است. بر این اساس بیشتر فراوانی جرایم مربوط به افراد مجرد و افرادی هست که دیر ازدواج کرده اند. بیشتر جرایم مجردها به ترتیب در مورد رابطه نامشروع با فراوانی برابر $24/24$ درصد، قاچاق با فراوانی برابر با 17 درصد و نزاع فردی و سرقت های عادی برابر با 14 درصد بود. در مورد کسانی که در سن بالا ازدواج کرده اند بیشتر جرایم شامل مهریه و سلاح غیر مجاز با $16/66$ درصد حجم نمونه و مواد مخدر و کلاهبرداری با 12 درصد حجم نمونه بوده است.

جدول شماره ۵- فراوانی جرایم بر حسب وضع تأهل و سن ازدواج

متغیر	مجر	ازدوا	ازدوا	ازدوا	جم
	د	ج در سن ۲۳ تا ۱۹	ج در سن ۲۸ تا ۲۴	ج در سن ۲۳ تا ۲۹	ع کل
فراوان ی	۹۹	۱۵	۱۰	۲۴	۱۴۸
Sing=/012					

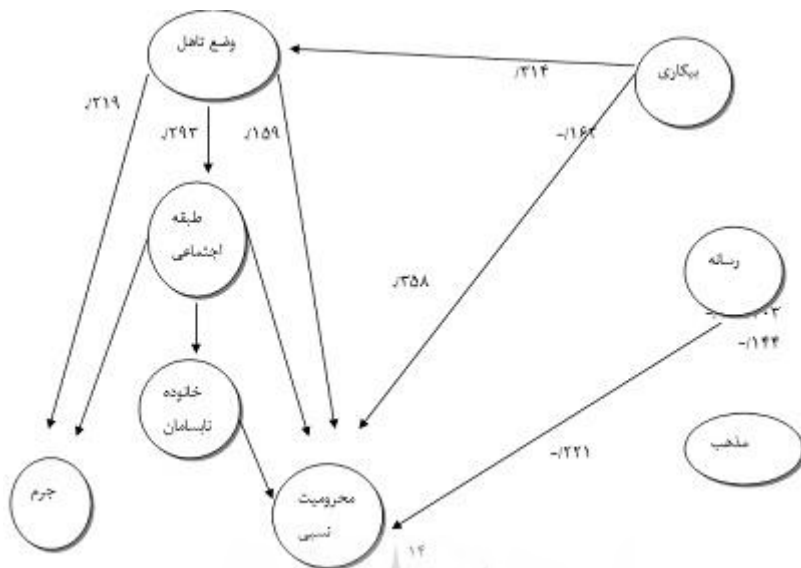
همچنین بین خانواده نابسامان و جرم پیوستگی وجود داشت که در سطح ۹۵ درصد، معناداری برابر با ۴۰/۴۰ درصد بود. که بیشتر فراوانی در خانواده های نابسامان مربوط به جرایمی چون مواد مخدر با ۲۳/۲۸ درصد حجم نمونه، رابطه نامشروع با ۱۷/۸۰ درصد حجم نمونه و قاچاق با ۱۶/۴۳ درصد حجم نمونه بود. در ارتباط با رابطه طبقه اجتماعی افراد و جرم، یافته ها نشان داد که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد این معناداری در سطح حداقل ۹۵ درصد و با معناداری برابر با ۱۰۰۰/۱ می باشد. در پژوهش حاضر علاوه بر آزمون کای اسکوئر از آزمون رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شد. به این شرح که متغیرها بر اساس اهمیت مرحله به مرحله وارد معادله شدند. لازم به ذکر است که در این روش متغیرهای اسمی به صورت ساختگی وارد معادله شدند. جدول شماره شش مربوط به تحلیل چند متغیره، متغیرهای مستقل جهت پیش بینی متغیر وابسته جرم می باشد. که متغیرهای محرومیت نسبی، آزادی افراطی، طبقه اجتماعی، وضع تأهل وارد معادله شدند. آزمون T نشان می دهد که ضریب بتای این معادله در سطح ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار بوده است. نتایج این معادله به صورت جدول زیر است.

جدول شماره ۶- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش بینی روابط بین متغیرها

متغیر	ضریب B	ضریب Btt a	مقدار T	معنی داری	R2
میزان محرومیت نسبی	۱/۹۶۶	۰/۱۶۶	۳/۰۴۵	۰/۴۳	۰/۰۲۷
میزان آزادی افراطی	-۲/۱۷۰	-۰/۳۱۲	-۳/۹۷۱	۰/۰۰۰	۰/۹۷
طبقه اجتماعی	۴/۹۳۴	۰/۳۵۸	۴۷/۶۵۹	۰/۰۰۰	۰/۱۲۸
وضعیت تأهل	۲/۷۲۲	۰/۲۱۹	۲/۷۳۰	۰/۰۰۰	۰/۰۴۸

مدل ساختاری رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته

مدل تجربی پژوهش یک مدل علی از نوع تحلیل مسیر است. نکته حائز اهمیت در مدل های تحلیل مسیر آن است که با استفاده از این مدل ها می توان به حجم عظیمی از اطلاعات که می تواند روابط علی ارزشمندی را بیان کند دست یافت. برای رسم مدل مسیر از ضرایب بتای متغیرهایی استفاده شده است که مقدار T آن ها در سطح معناداری قرار دارد. ضریب بتا نماینده شدت رابطه بین دو متغیر، با ثابت نگه داشتن اثر متغیرهای دیگر در مدل است (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۶۵). با توجه به مدل مسیر می توان گفت در میان شاخص های گنجانیده شده در مدل بیشترین تأثیر بر جرم توسط متغیر طبقه اجتماعی با وزن بتای مستقیم برابر با ۳۵۸/ و سپس محرومیت نسبی با وزن بتایی برابر با ۱۶۶/ بود. از جمله متغیرهای غیر مستقیم که با جرم در ارتباط بودند می توان گفت بیشترین متغیر را بیکاری با تبیین کنندگی برابر با ۰۳۲/ است. در کل می توان گفت که اثر غیر مستقیم متغیرها برابر با ۲۶/ می باشد. مدل تحلیل مسیر به شرح زیر است.



بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر که از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه صورت گرفته متغیرهایی نظیر خانواده نابسامان، پیوند اجتماعی، سطح تربیتی (آزادی افراطی)، مذهبی بودن، وضع تاهل و سن ازدواج، بیکاری و تاثیر رسانه در ارتباط با رابطه آن‌ها با جرم و نوع آن مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از رابطه معنادار تک تک این متغیرها با جرم داشت. سپس در ادامه با استفاده از ضریب بتای رگرسیون چند متغیره با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر نمودار علی جرم ترسیم گردید. بر اساس نتایج پژوهش می‌توان ارتباطی خاص بین یافته‌های این پژوهش و نظریه‌های مرتبط با جرم برقرار ساخت. نکته اصلی نظریه فشار در مورد فشارهایی است که در ارتباط با فرصت‌های ساختاری و فرآیند‌های فرهنگی می‌باشد. بر اساس این نکته گاهی علت جرم در ابزارها و فرصت‌های محدود و ناکافی تجلی پیدا می‌کند به این عنوان که افراد و گروه‌های اجتماعی وقتی از وسایل لازم برای دستیابی به هدف برخوردار نبوده از راه‌های جایگزین و معمولاً نامشروع اقدام می‌کنند. این نکته در نظریه محرومیت نسبی به خوبی بیان شده است که وقتی طبقات پایین یک جامعه شرایط زندگی خود را با طبقات بالا مقایسه می‌کنند دچار احساس محرومیت، سرخوردگی، ناکامی می‌شوند که مصادیقی از احساس محرومیت نسبی است و باعث ایجاد پرخاشگری، بی‌اعتمادی و خصومت می‌شود، این نکته در پژوهش حاضر مورد سنجش قرار گرفته و تایید شد. یعنی احساس و سطح محرومیت نسبی یکی از مولفه‌های مهم در بحث انحرافات است که در پژوهش حاضر با سطح معناداری ۰/۰۴۳ به اثبات رسیده است. از آنجا که چارچوب نظری اصلی این پژوهش تئوری محرومیت نسبی بود می‌توان نتیجه

گرفت که یافته های این پژوهش با این نظریه هماهنگی دارد. احساس محرومیت نسبی ریشه های متعددی دارد که ریشه های آن در پژوهش حاضر از طریق تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفت. با وارد کردن متغیر رسانه و نوع رسانه ای که پاسخ گویان نمونه آماری به آن اشاره کرده اند می توان دریافت که رسانه ها در افزایش یا کاهش انتظارات ایده آل و در نتیجه افزایش یا کاهش احساس محرومیت و در نهایت جرم نقش دارند، به عبارتی می توان بیان کرد که رسانه به صورت غیر مستقیم بر جرم تاثیر دارد. رسانه ها مخصوصاً تلویزیون و ماهواره که در پژوهش حاضر بیشترین فراوانی را داشته اند با نشان دادن زندگی ایده آل باعث بروز نیازهای کاذب در بین افراد جامعه حتی در دور افتاده ترین روستاها می شود و این موضوع با کاهش نمایش چهره واقعی زندگی در رسانه به رشد نیازها و انتظارات کاذب افراد جامعه می افزاید در نتیجه این امر افراد با نیازهای کاذب و امکانات و توان محدود در جامعه تنها می مانند که این تضاد بین خواسته ها و محدودیت منابع باعث شکست، ناکامی، سرخوردگی و پرخاشگری می شود که همه مصادیقی از احساس محرومیت نسبی می باشد. نتیجه فوق با نتایج تحقیقات کسانی مانند محسنی تبریزی، پروین همگرا بوده است آنان نیز این متغیر را مورد سنجش قرار داده و به نتایج مشابه رسیده اند، همچنین تاثیر رسانه بر جرم که در پژوهش حاضر به صورت غیر مستقیم بوده در پژوهش احمدی نوری و موسوی به عنوان یک متغیر مستقیم اثر گذار بر جرم تایید شده است. در ادامه برای سنجش بیشتر بحث محرومیت نسبی و ارتباط آن با جرم، علاوه بر سنجش احساس محرومیت خود افراد، سطح طبقه اجتماعی آنان نیز مورد سنجش واقع شد که دارای معنی بوده است. جامعه شناس ناموری مانند اوهلین نظریه فرهنگ جرم ز(فرهنگ فقر). را در مورد بزهکاری نوجوانان به کار برده است، این نظریه پرداز معتقد است که موفقیت به عنوان هدف فرهنگی الزاما به طبقه ای وابسته نیست ولی می تواند جامعه را تقسیم کند به طوری که نوجوانان طبقه پایین به ناچار به سوی بزهکاری رانده می شوند چون بین خواسته های آنان و فرصت های قانونی فاصله فاحشی وجود دارد و راه های دستیابی به هدف برای بسیاری از آنان مسدود است این نکته در پژوهش حاضر مورد سنجش واقع شد و مشخص شد که افراد که به طبقه اجتماعی پایینی از لحاظ ثروت، موقعیت اجتماعی و تحصیلات قرار دارند احتمال بروز جرم در بین آنان بیشتر است. متغیر فوق در سطح معناداری ۰/۰۰۰ برای طبقه اجتماعی و جرم به اثبات رسیده است. این نتیجه با نتایج پروین و محسنی تبریزی، احمدی نوری و موسوی، ملکیان و شریفیان، بیانلو و شقاقی شهری و در تحقیقات خارج از کشور با نتایج تحقیق بانانو همگرا بوده است. کوهن در نظریه خود معروف به خرده فرهنگ بزهکار بیان می کند که شرایط عمده برای پیدایش خرده فرهنگ عبارت است از وجود اندرکنش میان کنش گرانی که با مسایل مشابه سازگاری دارند این مساله موید این یافته در پژوهش است که بیشتر افراد نمونه همان طور که در بخش آمارهای توصیفی بیان شد در هیچ انجمن یا تشکل

اجتماعی عضویت نداشته اند و تنها عده کمی در عضویت بسیج و انجمن ادبی قرار داشته اند این نکته بیان می کند که بیشتر افراد نمونه در خرده فرهنگ های غیر رسمی و اجتماعی که عمدتاً "بزهکار" هستند عضویت دارند و از این طریق احراز هویت می کنند. از آنجا که مک گی معتقد است رفتار انحرافی آموختنی است نه ذاتی، یعنی فرد از طریق برخورد و معاشرت با افراد بزهکار، رفتارهای انحرافی را می آموزند، می توان نتیجه گرفت که هرچقدر افراد با افراد بزهکار بیشتر مباشرت داشته باشند و هنجارها و الگوهای رفتاری مورد قبول گروه با هنجارهای کلی جامعه در تضاد باشد بیشتر احتمال بروز رفتار انحرافی در افراد عضو وجود دارد. نقش عضویت در گروه های بزهکار با تحقیق پروین و تبریزی، همگرا بوده چرا که آنان نیز این متغیر را مورد سنجش قرار داده و به نتایج مشابه رسیده اند. همچنین تاثیر گروه در نتایج تحقیقات خارج از کشور نیز همگرا بوده به طوری که پائولو و همکارانش اثبات کرده اند که زندانیانی که در همسایگی و محله های خوب رشد و زندگی می کنند احتمال بروز مجدد جرم در بین آنان کاهش یافته است. در ارتباط با متغیر پیوند اجتماعی نتایج حاکی از آن بود که رابطه معنا دار آماری بین دو متغیر وجود داشته است. هرشی در تئوری پیوند اجتماعی بیان می کند که افرادی که مادام پیوند قوی اجتماعی داشته باشند کجرو نمی شوند و به محض تضعیف یا گسسته شدن پیوندها فرد کجرو می شود. نکته فوق با نتایج تحقیقات ملکمیان و شریفیان، محسنی تبریزی و پروین همگرا بوده است و آنان نیز به نتایج مشابه رسیده اند.

خانواده نابسامان از متغیرهای تایید شده در پژوهش حاضر بوده است. گود خانواده را کانون توجه خود قرار داده و آن را رکن اساسی جامعه می داند. گود معتقد است که خانواده نابسامان خود عامل زمینه ساز انحراف است و فرد را به سمت کج رفتاری سوق می دهد. همان طور که مشخص شد این متغیر در آزمون کای اسکوئر با سطح معناداری ۰/۰۴۹ به اثبات رسید. با نگاهی به مدل تحلیل مسیر می توان گفت که خانواده نابسامان از دو طریق بر جرم تاثیر دارد. یکی این که والدین خانواده نابسامان شیوه تربیتی مناسبی برای فرزندان خود به کار نمی برند و آنان را بسیار آزاد قرار می دهند و دوم این که کسانی که در این خانواده ها زندگی می کنند به دلیل تشنج زیاد در بین اعضا، احساس محرومیت از خوش بختی دارند و این عامل در کنار آزادی بی قید و شرط می تواند باعث عضویت در گروه های انحرافی و جرم شود. این نتایج با تحقیقات ملکمیان و شریفیان، غریبی، پروین و محسنی تبریزی همگرا بوده است. متغیر آزادی افراطی (سطح تربیتی) از دیگر متغیر های مورد سنجش در پژوهش حاضر بوده که تا حدودی بازگو کننده سطح کیفیت خانواده و ارتباط آن با متغیر خانواده نابسامان نیز هست. که تایید شده است. خانواده هایی که در نوع تربیتی خود بسیار خشک یا بسیار آزادگرا بوده اند با رفتار خود باعث شرایط مناسب انحراف جوانان را محیا می سازند. ساروخانی بیان می کند چنانچه والدین بکوشند تا به جای تحکیم و مجبور ساختن کودک و نوجوان به پذیرش

هنجارهای اجتماعی، سعی کنند نوجوانان را با هنجارها آشنا کنند و دلیل پیدایی هنجارها را برای آنان ذکر کنند نتیجه آن خواهد بود که کودک این هنجارها را می پذیرد و از آن خود می کند و بعدها چنانچه فرد دیگری از آن تخطی کند بدو هشدار می دهد(ساروخانی، ۱۳۷۰). این فرآیند را درونی سازی هنجارها و قواعد اجتماعی می خوانند که موجبات آشتی انسان با قوانین جامعه را فراهم می سازند. در نتیجه این امر در صورت آزاد بودن جوانان چون با قوانین و هنجارها آشنا بوده و آنها را در خود درونی کرده اند احتمال بروز رفتار انحرافی در آنان بسیار کاهش می یابد اما از آنجا که در پژوهش حاضر کسانی دارای آزادی زیاد هستند که همزمان در خانواده نابسامان زندگی میکنند در نتیجه امکان آشنایی با قوانین را ندارند و با فرایند درونی سازی بیگانه هستند. با الهام از یافته های دینی که بیان می دارد اعتقاد به این نکته که همواره کسی ناظر بر رفتار ما می باشد متغیر سطح اعتقادات دینی به عنوان یکی از فرضیات تحقیق مورد سنجش واقع شده است. نتایج تحلیل مسیر نشان داده که هرچقدر افراد به مسائل دینی پایبند باشند برای معیارهای اخلاقی و قانونی احترام بیشتری قائل هستند، در محیط خانه با دیگر اعضای خانواده رابطه خوب و انسانی و سرشار از عشق دارند در نتیجه احساس محرومیت کمتری می کنند که این عامل سطح جرایم در این افراد معتقد را کاهش می دهد.

در نهایت رفیع پور می گوید((وقتی نیازها افزایش یابند و درآمدها کاهش یابند و وقتی ارزش های مادی جامعه را فرا گیرند(تغییر ارزش ها).و راه های مشروع رسیدن به هدف مسدود باشند و کنترل های درونی و کنترل های بیرونی تضعیف شوند انواع انحراف و کارهای خلاف و نا مشروع در جامعه روی می هد و سپس این انحرافات گسترش می یابند و مانند یک سرطان جامعه را فرا گرفته و ریشه جامعه و نظام اجتماعی را می خورد)) (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۲۸۲).

منابع و ماخذ

- ۱) مرادی، گلمراد(۱۳۸۸). بررسی بین راهبردهای فرهنگ پذیری و سلامت روانی در میان مهاجران شهر کرمانشاه، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی ۳۳، شماره یک.
- ۲) محبوبی منش، حسین(۱۳۸۰). تاملی کوتاه درباره آسیب هایاجتماعی به عنوان مساله اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال هشتم، شماره سوم، تهران.
- ۳) اجلالی پرویز،(۱۳۸۱).نگاهی به آمار جرایم در ایران، مقالات اولین همایش ملی ایران، چاپ اول، جلد اول، نشر دادگستر، تهران.)
- ۴) سراج زاده، حسین و اشرف گیلانی(۱۳۸۹). بی سازمانی اجتماعی و ترس از جرم، فصلنامه علمی پژوهی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۴.

- (۵) بیانلو، یوسف و محمد کریم منصوریان (۱۳۸۲). رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- (۶) غریبی، حسن (۱۳۸۶). عوامل خانوادگی و فرهنگی مرتبط با فرار دختران از منزل، روانشناسی کاربردی، دوره اول، شماره ۴.
- (۷) محمد خانی شهرام (۱۳۸۶). عوامل روانی اجتماعی موثر در فرار دختران از خانه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵.
- (۸) پروین، ستار و علیرضا محسنی تبریزی (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر سرقت در نوجوانان شهر کرمانشاه، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی ۳۵، شماره ۳.
- (۹) صادقی، حسین و حسین اصغر پور (۱۳۸۳). تحلیل عوامل اقتصادی اثر گذار بر جرم در ایران، (۱۰) هاشمیان، معصومه (۱۳۸۱). بررسی عوامل خانوادگی موثر بر فرار دختران از منزل، اسرار-مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، سال نهم، شماره ۲.
- (۱۱) علیوردی نیا، اکبر و محمود شارع پور (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی خانواده بزهکار، پژوهش زنان، دوره ششم، شماره ۲.
- (۱۲) اسداللهی، عبدالرحیم و محمود برات وند (۱۳۸۴). رابطه بین کودک آزاری والدین و الگوی مجرمانه شرارت در کودکان آزار دیده، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۹.
- (۱۳) شرافتی پور، جعفر (۱۳۸۳). ویژگی های اقتصادی اجتماعی زنان خیابانی در شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- (۱۴) شیخاوندی، داور (۱۳۸۴). انحرافات اجتماعی، چاپ اول. نشر قطره. تهران.
- (۱۵) احمدی، حبیب و بیژن خواجه نوری (۱۳۸۴). عوامل مرتبط با بزهکاری دانش آموزان دبیرستان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم شماره ۳۳.
- (۱۶) وایت، راب و فیونا هینتس (۱۳۸۲). درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ترجمه میر روح اله صدیق بطحایی اصل، تهران، نشر دادگستر.
- (۱۷) رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷). توسعه و تضاد، تهران، چاپ هفتم، انتشارات شرکت سهامی خاص.
- (۱۸) دی.ای. دواس (۱۳۸۹). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، انتشارات نی، تهران.
- (۱۹) کلدی، علیرضا (۱۳۸۱). انحراف، جرم و پیشگیری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۳.

- ۲۰) خسروشاهی، قدرت اله (۱۳۸۸). پیشگیری ثانویه از جرم و انحراف در آموزه های قرآن، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۴.
- ۲۱) سام دلیری، کاظم (۱۳۸۲). سنجش محرومیت نسبی در نظریه تدرابرت گر، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۶، شماره ۱۴. مرادی، علی و داریوش غفاری (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین کنترل کننده های رسمی و کاهش غفاری مورد مطالعه کرمانشاه. فصلنامه مطالعات جامعه شناسی شهری. دوره ۸. شماره ۲۳. صص
- ۲۲) ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، نشر سروش
- ۲۳) ملکیان، مینا و سعید شریفیان (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر جرم زنان زندانی، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره پنجم، تهران.
- ۲۴) کریمی، رضا (۱۳۹۱). هفته نامه فجر امید، شنبه ۱۷ تیرماه سال ۹۱، ویژه ۲۱.
- ۲۵) محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۶). اصول و مبانی نظری فرصت جرم، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷- شماره ۳

